

بسم الله الرحمن الرحيم

آگاهی عمومی و تأثیر آن بر روند تغییر صحیح

(ترجمه)

در این شکی وجود ندارد که تغییر جوامع روندی آسان نبوده و این کار به سخت کوشی و تلاش فراوان احتیاج دارد. مانند سنگ تراشی از صخره‌هاست و تیشه کارگرانی مخلص، محکم و ظریف می‌خواهد. افراد نمی‌توانند این کار را انجام دهند. بنابر این فقط حزب ایدئولوژیک که شب و روز برای رسیدن به هدف تلاش کند می‌تواند این کار را به پیش ببرد. بدون ایجاد آگاهی عمومی نسبت به آنچه در جامعه قرار است ایجاد شود، نمی‌توان یک تغییر بنیادی صحیح به وجود آورد و این موضوع یکی از احکام طریقه در روند تغییر شرعی است که نقض یا انحراف از جزئیات آن مجاز نیست؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت آماده‌سازی فضا برای تأسیس دولت اسلامی در مدینه منوره این طریقه را طی کرده بودند و مرحله تفاعل برای ایجاد افکار عمومی ناشی از آگاهی عمومی یکی از دشوارترین، سنگین‌ترین و مهم‌ترین مراحل است، زیرا این امر در مؤفقیّت روند تغییر و تأسیس دولت و بعد از آن در دوام آن تأثیرگذار می‌باشد.

آنچه باید روشن شود این است که طلب نصرت به خودی خود یک مرحله مستقل نیست، بلکه در پایان مرحله تفاعل به وجود می‌آید و اگر در ایجاد آگاهی عمومی از افکار اسلامی موفق نشویم، نصرت صورت نمی‌گیرد و باید بدانیم که طلب نصرت به معنای واقعی کلمه یک کودتای نظامی نیست. ممکن است این نصرت دادن توسط اهل قدرت و قوت بدون نیاز به کودتای نظامی حاصل شود و این همان اتفاقی است که برای پیامبر بزرگوار ما صلی الله علیه وسلم رخ داد... انصار به او حاکمیت دادند؛ زیرا آن‌ها اهل قدرت و قوت بودند و هیچ نیرویی وجود نداشت که بتواند در مقابل اراده آن‌ها بایستد، و گاهی ممکن است این کار به کودتای نظامی نیاز داشته باشد، اما در این حالت، افکار عمومی برای اسلام و روند تغییر باید قوی باشد.

در طول تاریخ پیامبران بزرگوار و بندگان صالح الله سبحانه و تعالی، متوجه شده‌ایم که چگونه رغبت به نفوذ در افکار عمومی و تلاش برای آگاهی ایشان مورد توجه بوده است. به عنوان مثال، موسی علیه السلام مشتاق بود تا مبارزه خود را از حلقه گفتگو با فرعون و نخبگان وی به افکار عمومی منتقل کند. بنابر این در مقابل مردم با جادوگران مقابله کرد. وی علاقه زیادی به این کار داشت و گفت:

﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخَشِرَ النَّاسُ ضُحَى﴾ [سوره طه آیه 59]

ترجمه: (موسی) گفت: ميعاد ما و شما روز جشنی است که در آن خود را می‌آرایند. باید مردم در چاشتگاه گرد آورده شوند (تا ماجرائی را ببینند که میان ما و شما می‌گذرد).

بناءً این فراخوان برخلاف میل فرعون و نخبگان وی گسترش یافت و به گوش مخاطبان رسید که هدف اساسی بود. در حقیقت، سخنان پیامبران با اقوام‌شان با استفاده از ابزار ندایی: (ای قوم من!)، بیانگر این است که آن‌ها مردم را در گردهمایی‌شان مورد خطاب قرار می‌دهند و این همان چیزی است که توسط نوح علیه السلام بیان شده است که گفت:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ** فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ** وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا ** ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ** ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾ [سوره نوح آیه 5]

ترجمه: نوح گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی ایمان به تو) فرا خوانده‌ام. اما دعوت و فرا خواندنم تنها بر گریز ایشان افزود! من هر زمان که ایشان را دعوت کرده‌ام تا (ایمان بیاورند و) تو آنان را بیامرزی، انگشت‌های خود را به گوش‌هایشان فرو کرده‌اند (تا ندای حق را نشنوند) و جامه‌هایشان را بر سر کشیده‌اند (تا قیافه مرا نبینند) و (در فسق و فجور و ظلم و زور بیشتر فرو رفته‌اند و بر کفر) پافشاری کرده‌اند و سخت سرکشی نموده و بزرگی فروخته‌اند. سپس من آنان را آشکارا و با صدای بلند (به یکتاپرستی و ایمان راستین) دعوت کرده‌ام. گذشته از این، به گونه علنی و (جمعی)، و به صورت نهانی (و فردی) دعوت آسمانی را) بدیشان رسانده‌ام.

دعوت قوم به صورت مخفیانه نبود؛ بلکه به صورت آشکار و اعلان و خطاب تمام مردم یعنی قوم انجام می‌شد. مانند این حالت در مورد حرص شخص مؤمنی از خاندان فرعون و شخص مؤمن در سوره یاسین گفته شده که برای تأثیرگذاری بر نخبگان و عموم مردم و رساندن رسالت واضح خالی از شبهات و گمراهی تلاش داشتند، و پیامبر ما برای رساندن دعوت به سوی الله سبحانه و تعالی در مجالس و موسم‌ها و رساندن آن برای تمام انسانیت از طریق تأثیرگذاری بر نخبگان و ارتباط مستقیم با بزرگان و هم‌چنان استفاده از تمام اسالیب سخنرانی، شعر، نامه‌نگاری و تبلیغ تلاش می‌کردند.

تثبیت و ساختار افکار عمومی به طور مداوم از طریق توضیح دعوت و رساندن آن به هر روشی به همراه آمیزش دعوت کلامی و دعوت تطبیقی و انتشار آن به گونه‌ای که ابلاغ بصیرت آمیز باشد و بر آن گواه باشند: " **أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟**" یعنی آگاه باشید آیا به شما پیام حق را رساندم؟

در مورد دستیابی به این آگاهی عمومی، بدون شک وضاحت افکار اصلی اسلام است که بر اساس آن می‌توان تغییراتی را در ذهن مردم ایجاد کرد. عقیده و احکام مربوط به عموم مردم در جامعه؛ یعنی آگاهی از افکار کلی اسلام در نزد عموم جامعه، و این افکار کلی مانند وحدانیت الله سبحانه و تعالی و این که او تنها قانونگذار است و گرفتن قانون از غیر آن جایز نیست، و قانون‌گذاری غیر الله سبحانه و تعالی کفر است که هرگز پذیرفته نمی‌شود. هم‌چنین آگاهی از این که امت اسلامی یک امت است و جدا از مردم دیگر، برادری اسلام آنان را رهبری می‌کند و عقیده اسلامی فراتر از قومیت‌ها و مناطق ایشان را پیوند می‌دهد و این که دولت اسلامی عنوان این وحدت و عنوان قدرت مسلمانان است و این یک فریضه بر امت اسلامی و یک قضیه سرنوشت ساز آن می‌باشد. امت بدون آن ضایع و ضعیف است، گذشته از این که در دایره خشم الهی سقوط می‌کند. آگاهی کلی از این که کفار دشمنان امت هستند و خواهان خیر برای امت نمی‌باشند و برای عدم بازگشت اسلام از طریق بازگشت وحدت امت، تلاش دارند؛ یعنی با بازگشت دولت اسلامی. آن‌ها برای جلوگیری از آن مراقب هستند و با تمام قدرت و قوت خود کار می‌کنند و آگاهی از این که طریقه احیای امت اسلامی از طریق ایدئولوژی و افکار آن است، نه از طریق افکار غربی و نه از طریق جنبش‌ها یا احزاب مزدور و وابسته به غرب، حتی اگر اسلامی باشند.

از این رو، ما باید تلاش کنیم تا افکار عمومی را در مورد موضوعات اساسی که مورد توجه امت بوده و نیاز به همکاری پیرامون آن است، شکل دهیم و از افکار عمومی که قبلاً در مورد یک موضوع شکل گرفته حمایت کنیم تا جامعه از همان دیدگاهی که تشکیل شده است دور نگردد؛ زیرا افکار عمومی ممکن است به سبب فراموشی مردم و نبود آن چه توجه شان را به این موضوع بر انگیزد، از بین رفته یا هم به سبب مشغول شدن شان به چیزهای دیگر باشد. در واقع این فلز داغی است که باید کوبیده شود. ماهیت افکار عمومی ماهیتی موقت و پویا است که در صورت عدم بهره‌مندی یا رشد آن، ممکن است محو و نابود گردد. بنابر این اگر این گمراهی کشف نشود، می‌تواند بعضی اوقات سبب گم شدن افکار گردد.

حرکت امت متوقف نخواهد شد و به اذن الله سبحانه و تعالی، تمام محدودیت‌ها و سدهایی را از بین می‌برد که توسط حاکمان ایجاد شده، آن هم برای نرسیدن امت به سطح آگاهی عمومی صحیح از دین و واقعیت‌شان و احزاب صادقی که می‌خواهند واقعیت‌شان را احیا و تغییر دهند. حاکمان رسوا گشته اند و افکار ناچیز آن‌ها در برابر مردم‌شان آشکار شده است! واضح شده که ضعیف‌تر و سست‌تر از تار عنکبوت است و در میان این حوادث پی در پی و شتابان، مردم به زودی به یک فناخت کامل می‌رسند که نجات آن‌ها در اندیشه‌های دروغین و سست غربی مانند دموکراسی و آزادی نیست؛ بلکه فقط در افکار پاک و عالی اسلام است.

بنابر این، بر حاملین دعوت اسلامی لازم است تا در آگاه‌سازی تمام مسلمانان در مورد افکار و احکام اسلام ادامه دهند تا آگاهی عمومی برای امت دربارهٔ احکام و نظام‌های اسلامی افزایش یابد تا امت بتواند اسلام را در واقعیت زندگی، جامعه و دولت تطبیق کند، زیرا این قضیه سرنوشت ساز امت است.

نویسنده: حامد عبدالعزیز

مترجم: احمد صادق امین